DOI: 10.22034/3.6.1

سرمقاله

منظر رنج؛ مصائب توسعه دیگران در منافع جامعه محلی

مقدمه شکل‌گیری این پژوهش به زمستان ۱۴۰۳ برمی‌گردد که مطالعه «کمپ B» در بندر امام خمینی از سوی گروه معماری حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی به پژوهشکده نظر پیشنهاد شد. «کمپ B» نامی است که سازندگان ژاپنی شرکت پتروشیمی ایران-ژاپن (IJPC)، به بخشی از اقامتگاه کارگران خود در ۱۵ کیلومتری پتروشیمی داده بودند. آن زمان، بندر ماهشهر بزرگترین منطقه سکونتی نزدیک پتروشیمی بود و در اراضی امروزین بندر امام زندگی شهری جریان نداشت.

بندر امام (شاهپور) از آنرو برای احداث تأسیسات پتروشیمی انتخاب شده بود که با بهره‌گیری از خورهای (پیشرفت آب در خشکی) خود امکان کشتیرانی تا فاصله نزدیکتری به اهواز، مرکز لجستیک استان خوزستان را فراهم می‌کرد. صنایع نفتی که از اواخر قاجار در خوزستان احداث شده بود، اهواز را مرکز لجستیک خود با سرزمین اصلی قرار داد و بندر شاهپور نزدیک‌ترین خروجی به آب‌های بین‌المللی بود. از این‌رو راه‌آهن بندرشاهپور-اهواز با خط مستقیمی که امروزه بی‌اهمیت انگاشتنش هر عارضه طبیعی یا اجتماعی در پیرامون خود را با حرکت بر مدار قضیه حمار تصریح می‌کند، احداث شد. همان خطی که در جریان جنگ جهانی نیز متفقین با اتصال آن به بندر شاه در دریای مازندران، پل پیروزی خود را در مقابل آنها و متحدانشان ایجاد کردند.

بدین‌ترتیب برای بندر شاهپور به مثابه نقطه آغاز دسترسی به سرزمین ایران، مزیتی ایجاد شد که در قیاس با سایر بنادر کشور در طول دوهزار کیلومتر، ساحل جنوب آن را در موقعیت برتری قرار داد.

ژاپنی‌ها در سال ۱۳۵۲ ساخت پتروشیمی را در این نقطه آغاز کردند تا ارزش افزوده صنایع نفتی را با کارگر ارزان، معافیت‌های مالیاتی، هزینه‌های بالاسری اندک ناشی از قیمت زمین، زیرساخت‌ها و مهمتر از همه معافیت از انتقال حجم انبوه نفت خام از طریق فراوری آن در مبدأ مضاعف سازند. بدین‌ترتیب بندر شاهپور که پس از انقلاب اسلامی، بندر امام خمینی خوانده شد، در هیئت یکی از مهمترین بنادر کنونی کشور زاده شد.

هدف از پیشنهاد گروه معماری حوزه هنری، رمزگشایی از تضاد عجیب میان چنین سابقه پول‌ساز از بندر امام با وضعیت مشهورترین بازمانده یکی از بزرگترین فعالیت‌های اقتصادی شهر است. کمپ B، آینه تمام نمای تعارض توسعه بخشی و جزءنگر در مقابل توسعه مکان‌محور با نقش‌آفرینی کلیت سرزمین است. این تعارض آنچنان سیستماتیک و ریشه در قوانین و مناسبات اداری و مدیریتی دارد که علی‌رغم گذشت ۵۴ سال از پیروزی انقلاب اسلامی که عدالت از مهمترین مطالبه‌های آن بود، همچنان تضاد وحشتناک فقر کمپ B در مقابل میکروسیستم اقتصادی پتروشیمی با زیست گلخانه‌ای و بریده از محیط و گردش مالی نجومی برای کارکنان و مجموعه پابرجا مانده است.

کمپ B را می‌توان ویترین توسعه بخشی در جهان سوم دانست. کشورهایی که در یک فرایند مسلوب‌الاختیار، مردم خود را قربانی اهداف توسعه‌ای دیگران می‌کنند. بر پایه ویژگی جغرافیایی بندر امام، شهری پدید آمد تا غارت منابع سرزمینی را با سرعت و استمرار بیشتری پشتیبانی کند. این شهر، هم، در خدمت غارت قرار گرفت و خود کمترین سهمی از قرارگیری در این مسیر نداشت. چگونگی این رخ داد، موضوع مقالاتی است که در این کتاب آمده است.

مسئله اصلی در برنامه‌ریزی این پژوهش، چرایی، چیستی و چگونگی تحقق و پایداری این تضاد است. عنوان مطالعه، «منظر رنج؛ مصائب توسعه دیگران در منافع جامعه محلی» گویای منظومه‌ای از نابرابری‌ها، تبعیض‌ها و کاستی‌های سیستمی و نظام‌مند است که با حمایت قانون ایجاد و جریان یافته است.

رویکرد مطالعه، توجه به ظرفیت‌های «مکان» توسعه به مثابه آمیزه‌ای از طبیعت و دستاوردهای زندگی انسانی است؛ که در آن جامعه محلی و سرنوشت او در فرایند توسعه، بازیگر اصلی است. پس از آن، بررسی خسارت‌هایی که توسعه یکسویه به طبیعت و جغرافیای سرزمین وارد آورده و در نهایت ارزیابی هزینه بی‌فایده اینگونه از توسعه برای ذی‌نفعان آن مدنظر قرار گرفته است.

جمع‌بندی مطالعه، «سرزمینی» به مثابه «مکان» بروز رخدادهای چندبعدی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی، محیطی «موضوع» ارزیابی اثر توسعه‌ی بخشی قرار می‌گیرد. در چنین رویکردی که به جای مقایسه عددهای خاص فایده بدون تقویم هزینه‌های تحمیل‌شده به سرزمین، تفاوت آن دو ملاک قرار می‌گیرد، هر توسعه‌ای نمی‌تواند مطلوب قلمداد شود؛ ولو در حسابداری خصوصی خود فایده آفرین باشد

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-24]
[DOI: DOI: 10.22034.11]

ساختار کتاب از شش مقاله مستقل تشکیل شده که در وحدت موضوعی و هدف مشترک کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. ترتیب ارائه مقالات در کتاب از کل به جزء است. بررسی‌های تاریخی و اسنادی بر بررسی‌های موردی و علی اولویت دارند. جنس این مطالعه بر مشاهده و استنباط تکیه دارد. اسناد کتابخانه‌ای برای تحقیق داده‌های پایه و الهام‌گرفتن از مطالعات پیشین به کار آمده‌اند. ولی گروه تحقیقاتی از روز نخست ورود به مطالعه فرضیه پیش گفته، دال بر تعارض رویکرد بخشی توسعه با منافع ملی و سرزمینی را پیش رو گذاشت و زاویه جستجو و مستندسازی مطالعه را کشف علل و چگونگی اثر آنها در فرایند ایجاد وضع امروز قرار دارد.

مقاله اول، تأثیر قوانین و برنامه‌های توسعه ملی بر بندر امام (از آغاز تا امروز) را مورد نظر قرار داد. در روند مطالعه این مقاله به تزاحم مقیاسی سیاست‌های توسعه بندر با الزامات عمرانی توسعه زندگی جامعه محلی به‌عنوان یک حلقه مفقوده در تمام دوران سیاست‌گذاری توسعه بندر امام دست یافت. یافته مهم این مقاله، کشف نقش «عاملیت» «توسعه دیگری» در برنامه‌های توسعه ملی برای بندر امام بود. در سیاست‌های کلان مؤثر بر توسعه بندر امام، جامعه محلی و خود بندر، همیشه منفصل بوده‌اند و آنچه فعال و برنده امتیازات توسعه بوده، پتروشیمی و فعالیت‌های وابسته او بوده است. نتیجه مهم این مقاله، کشف این اصل به‌عنوان راه‌حل است که برای توسعه مکان‌محور، «مکان توسعه» (در اینجا بندر امام) از بازیگر منفعل برنامه‌ها به بازی‌ساز فعال در روند توسعه ضروری است. طوری که هر پیشنهاد بهره‌بردار (در اینجا پتروشیمی) برای رونق‌بخشی به فعالیت خود تنها در صورتی مشروعیت دارد که در طول منافع مکان و جامعه محلی (طبیعت و جامعه) باشد نه در عرض آن.

مقاله دوم، تجربه برنامه‌های خاص توسعه در بندر امام را مورد نظر قرارداد. این مطالعه در مقیاس میانی و پایین‌تر از مقاله اول که در سطح سیاست‌گذاری کلان و راهبردی برنامه‌های توسعه را قرائت کرد، انجام شد. اسناد مورد بررسی، مستندات توسعه در استان خوزستان و به‌طور خاص در ارتباط با بندر امام بودند. مهمترین شکاف‌های برآمده از اعمال برنامه‌های مذکور که فاقد انسجام راهبردی بوده‌اند، چند دهه می‌توان به فقدان انطباق‌پذیری با شرایط زمینه‌ای، آمرانه‌بودن و مشارکت‌ناپذیری، بی‌توجهی به عدالت فضایی و اجتماعی و ضعف نهادی و سیاستی که تحقق‌پذیری آنها را ناممکن می‌سازد، اشاره کرد. شاه‌بیت برنامه‌های میانی و بخشی توسعه شهری و سرزمینی در بندر امام، اقتدارگرایی مرکزنشینان و نادیده‌انگاشتن شرایط زمینه‌ای از یک سو و توان پشتیبانی دولت مرکزی متولی برنامه توسعه در ادای دین خود به جامعه محلی، از سوی دیگر است.

مقاله سوم، به ارزیابی قانون به مثابه ابزار حکمروایی در سکونتگاه‌های غیررسمی پرداخته و از خلال آن نقش قوانین در ایجاد شرایط نامتوازن در کمپ B را بررسی کرده است. مقاله، متن قانون و مدیریت اعمال آن را یک بسته یکپارچه محسوب کرده که در نظام حکمرانی ایران، نقش اصلی در تحقق خواسته‌های بالادستی یا مردمی را ایفا می‌کند. به عبارت دیگر نقش بازدارنده قانون و مجری، بیشتر از نقش سازنده و عامل آن در فرایند شکل‌گیری وضعیت کمپ مؤثر بوده است.
قوانین متعدد و برنامه‌های گوناگون با امکان تفسیر موسع و کشدار از آنها بدست مدیرانی که در موضوع مدیریت از اقتدار قانونی و سنتی بالا برخوردارند، تخصصی متناسب مسئولیت خود ندارند و در فضای فسادآلود بروکراسی امکان نقش‌آفرینی‌های مختلف دارند، عامل مهم پیدایی یا پایدای رنج در منظر شهری کمپ B و بندر امام است. این مقاله با بررسی تاریخی دقیق و مرحله‌بندی شکل‌گیری استضعاف در کمپ B به مستندسازی نقش قانون در هر یک از مراحل طبقه‌بندی مطالعه خود دست یافته است. یافته مهم مقاله، بازگشت به قانون به‌عنوان فصل‌الخطاب و تنها عامل پایدار ساختن توسعه است. قانونی که برآمده از شناخت، نفع عمومی، مجریان کارشناس و فضای نظارت‌پذیر باشد.

مقاله چهارم، تعارض نظریه و عمل را در نمونه کمپ B مورد توجه قرارداده است. در قالب توضیح کالبدشکافی شکست توسعه، به تعارض میان برنامه‌ریزان با واقعیت میدان پرداخته است. نوآوری این مقاله تشخیص تعارض میان فرضیه‌های متعارف برنامه‌ریزی با واقعیت‌های مسئله‌آفرین بندر امام است. مقاله با جهت‌گیری به سوی ارائه راه‌حل‌های خاص، از رویکردهای خطی و سنتی عبور می‌کند و با تکیه بر تحلیل میدانی و درخت مسئله، روش مواجهه با واقعیت مسئله را تشریح کرده است. تشخیص نمونه‌های عدم انطباق میان راه‌حل‌های تکنیکی و مالی با ضرورت‌های مشارکت ذی‌نفعان و مستندسازی آن با کدهای متعدد، آورده کمّی و مهم این مطالعه است.

مقاله پنجم، از زاویه‌ای نزدیک و چسبیده به مکان مطالعه، منظر شهری بندرامام به مثابه محصول توسعه معاصر را در چارچوب مدل مفهومی مکان پیش‌رو قرار می‌دهد. در این پژوهش «مکان» بندر امام جایگزین «سیما و صورت» اجزای آن می‌شود و در ادراک شهروندان و احساس کلی آنها از کیفیت محیط زندگیشان موضوع تحقیق قرار گرفته است. خوانش این ادراک به بیان تعبیری منفی از دریافت آنها منجر شده که در میان دستاوردهای مطالعه بی‌اتکا به ویژگی‌های کالبدی یک شهر، نو و بی‌رقیب است. غلبه نظم ماشینی و کارکردن در همه ابعاد شهر بر زندگی آرام و مقیاس انسانی، مهمترین یافته این مقاله است. نمونه‌های این تعارض در متن مقاله به دفعات تشریح شده است. فقدان سازمان فضایی و ایجاد شهری گسسته، غیرمنسجم و پاره‌پاره از نتایج این مطالعه می‌باشد.

مقاله ششم، در رویکردی بینابینی، مسئله «مشارکت و اقدام» را در نمونه کمپ B مورد مطالعه قرارداده و به ارزیابی نقش ذی‌نفعان

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-24]
[DOI: DOI: 10.22034/3.6.1]

در سیاست‌گذاری شهری پرداخته است. یافته مهم مقاله تحول و عدم ثبات نقش ذی‌نفعان در برنامه‌های مختلف توسعه شهری و روشنگری نسبت به علل آن است. از جمله بنیاد مسکن که اصلی‌ترین متولی نمونه مطالعه (کمپ B) است، بیشترین سهم را در حذف بازیگران کلیدی سایر ذی‌نفعان از جمله شهرداری، نهادهای محلی و ساکنان از فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری داشته است. روش سیاست‌گذاری متمرکز و از بالا به پایین، حتی نهاد محلی بنیاد مسکن را نیز از چرخه مشارکت حذف و همه نقش را به دفتر مرکزی بنیاد در تهران سپرده است. در نتیجه اقدامات اخیر بنیاد به‌عنوان راه‌حل مهاجرت اجباری ساکنان کمپ B به محله تازه احداث «شهرک رضوان» در لبه شهر در همان آغاز، با شکست مواجه گردید.

جمع‌بندی

مطالعات ۶ گروه پژوهشی در موضوع نسبت نتایج توسعه با رویکرد زمینه‌گرا و اعتنا به جامعه محلی که ذیل عنوان توسعه مکان‌محور تبیین شده نشان داد که چند عامل اصلی شامل:

- تمرگزگرایی شدید و نادیده‌گرفتن مشارکت و جامعه محلی با اتکا به قوانین؛
- رویکرد عمرانی و بخشی به پروژه‌ها به جای راه‌اندازی چرخه فعالیت و احیای محیط شهری؛
- حذف بازیگران حقیقی و حقوقی محلی از چرخه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری؛

مهمترین عوامل برای ایجاد دو قطبی‌های فقر و غنا و تضاد اجتماعی و اقتصادی در پس‌کرانه‌های پروژه‌های عمرانی در نمونه مطالعاتی بندر امام بوده است.

برای توقف چرخه افزایش شکاف اجتماعی-اقتصادی در فرایند توسعه‌های عمرانی، لازم است نخست چارچوب نظری توسعه از توسعه اقتصادی به توسعه مکان‌محور اصلاح گردد.

در این صورت سایر مؤلفه‌های سازنده مکان و در رأس آنها جامعه محلی به‌عنوان معیارهای اصلی برای استنتاج راهبردهای توسعه مطرح خواهند شد که عمل به آنها در تعادل فضایی نقش اصلی دارد.

نتیجه‌گیری

توسعه، مفهومی چند پهلوست که الزاماً همه آنها حاوی منافع جامعه نیست. توسعه‌های بخشی که در قالب پروژه‌های اقتصادی در زمینه‌های صنعتی، کشاورزی، عمرانی و فرهنگی مطرح می‌شوند، اغلب در جهت تأمین سود برای صاحبان آنها و حداکثر سود جامعه در بخش‌های خاص است. در حالی‌که منافع حداکثری جامعه میزان اصلی برای مشروعیت برنامه‌های توسعه است. مهمترین رویکردی که می‌تواند حمایت از منافع عامه را در برنامه‌های توسعه تضمین کند، مکان‌محوری است. که به موجب آن نه تنها ظرفیت‌های محیطی برای بارگذاری برنامه جدید توسعه ملاک تصمیم‌گیری است، بلکه سرنوشت جامعه محلی و بهره‌مندی او از دستاوردهای آتی توسعه به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگر سرزمینی، معیار اصلی در پذیرش طرح توسعه است. در این حالت نیاز به پیوست‌های بخشی که ناکارآمدی آنها در فرایندهای جاری توسعه اثبات شده، نخواهد بود و جوهر برنامه‌ریزی، معطوف به رعایت منافع جامعه محلی و ارزش‌های طبیعی سرزمین است؛ چیزی که اگر در این رویکرد به‌طور خودکار تعقیب می‌شود در روش‌های جاری توسعه به‌عنوان برنامه الحاقی و نظارت خارج از سیستم اعمال می‌گردد.

سیدامیر منصوری
دانشیارگروه معماری منظر، دانشکدهٔ معماری،
پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران
amansoor@ut.ac.ir

COPYRIGHTS
Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوهٔ ارجاع به این مقاله
منصوری، سیدامیر. (۱۴۰۴). منظر رنج؛ مصائب توسعه دیگران در منافع جامعه محلی. مکتب *احیاء*، ۳(۶)، ۵-۷.

DOI: 10.22034/3.6.1
URL: https://jors-sj.com/article-1-95-fa.html

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-24]
[DOI: DOI: 10.22034/3.6.1]